

کیمیا

ا رتجاع، به معنای بازگشت و حرکت رو به عقب، چیزی جز هبوط و سقوط نیست. ارتجاع یک جریان فکری و رفتاری است که می‌کوشد تا جلوی پیشرفت و رشد جامعه را بگیرد و با احیای گذشته‌های باطل و سنت‌های نادرست و ناروا مسیر طبیعی حرکت‌های کمالی انسان را با مانع جدی مواجه کند و اجازه ندهد تا جامعه به کمال برسد. از این‌رو آموزه‌های قرآنی با تعبیری چون جاهلیت، اعدایکم و مانند، هرگونه عقبگرد از مسیر کمالی را محکوم می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا سنت‌های باطل و ررسوم نادرست به عنوان تاریخ پیشینیان و سنت‌های پدران و آیین‌های ملی در جامعه نهادینه شود و سدی بزرگ در سر راه جامعه و رویکردهای کمالی و ابتکاری آنها بگشاید.

نویسنده در این مطلب دیدگاه قرآن درباره ارتجاع به‌طور کلی و نقش حاکمان و مستکبران در گرایش‌ات ارتجاعی ملت‌ها را تشریح کرده است.

مخالفت اسلام و قرآن با ارتجاع غیر عقلانی
اسلام به‌شدت مخالف هر گونه بازگشت به عقاید، افکار، رفتار و آیین‌هایی است که فاقد عقلانیت و افکار علمی و منطقی یا وحیانی است.البته برخی از عقاید و رفتارها به عقل و با وحی نسبت داده می‌شود که این‌گونه نیست و تنها توهم عقلانیت یا وحیانیت در آن شده‌است؛ چنان‌که برخی از مخالفت‌ها با برخی از عقاید و رفتارها نیز مبتنی بر عقل و وحی دانسته شده که این نیز گاهی اوقات نادرست و افتراء اتهامی نارواست. بلکه مراد، آن دسته از عقاید و رفتارهایی است که واقعاً موافقت یا مخالفت با آن دارای ریشه‌ها و خاستگاه‌های عقلانی و وحیانی باشد.

ارتجاع از واژه رجع به معنای بازگشت به مکان و یا کار یا فکر پیشین است(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب‌اصفهانی، ذیل واژه رجع، التحقیق، حسن مصطفوی، ج۳، ۴-۵)، و مرتجع کسی است که مخالف با جیش، انقلاب و پیشرفت در اجتماع و خواست برجامندن نظام کهنه است.(فرهنگ فارسی معین)

کسانی که گرفتار ارتجاع هستند، با هرگونه

نواوری و پیشرفت و اختراع و ابتکار جدید مخالفت می‌ورزند و از هرگونه تغییر گریزان بوده و با آن مخالفت هستند.

انسان امروز با بحران‌های روبه‌روست که در تاریخ کمتر سابقه داشته است؛ از بلایای طبیعی پیش‌بینی‌ناپذیر گرفته تا مشکلات اقتصادی فراگیر، جنگ‌های تحمیلی و سست‌شدن بنیان خوانده.

در تحلیل و تبیین علل این بحران‌ها، برخی فقط به علل مادی و ظاهری بسنده می‌کنند و جنبه‌های معنوی و روحی را نادیده می‌گیرند. اما در نگاه اسلام، هرچند عوامل مادی نقش دارند، اما توجه به گناهان فردی و اجتماعی و پیامدهای وضعی آنها نیز ضروری است.

البته این سخن به معنای نفی تأثیر عوامل مادی نیست، بلکه تحلیل درست بلایا، نگاهی نوآمان به هر دو بُعد را می‌طلبد.

از آنجا که نقش علل مادی، روشن و پذیرفته شده است، در ادامه تنها به آثار وضعی گناهان می‌پردازیم.

ارتجاع و عقیدراتجاع

از آثار ارتجاع و تفکر ارتجاعی می‌توان به افترا و اتهام‌زنی اشاره کرد؛ زیرا مرتجع برای حفاظت بر آیین و افکار و عقاید و رفتارهای پیشین و مخالفت و مبارزه با هرگونه تغییر و نواوری، به هرچیزی تمسک می‌جوید تا بتواند سنت‌های پیشین را حفظ کند. از این‌رو به دو شکل می‌کوشد تا وضعیت موجود را محافظت کند. با افکار و عقاید نو و تازه را امری خلاف عقلانیت و یا وحیانیت می‌شمارد؛ چنان‌که قوم ابراهیم در برابر عقیده توحید که یک اصولا توبه تغییر نسبت به عقاید بت‌پرستی آنان بود، این‌گونه عمل کرده و به افتراء اتهام‌زنی تمسک جستند(انبیاء، آیات ۵۱ تا ۵۵) یا اینکه عقاید و افکار خود را عقلانی و وحیانی می‌شمارند و عقاید و افکار دیگران را ضد

ارتجاع و عقبگرد به سنت‌های ناروا و عقاید باطل و رفتارهای برخلاف هنجارهای عقلانی و وحیانی از مهم‌ترین موانع در برابر افکار و عقاید عقلانی و نوآوری‌ها و پیشرفت‌های فکری و رشدی و کمالی بشر است که باید با آن مبارزه کرد و اجازه نداد تا ارتجاع در شکل و قالب‌های جدید در جامعه رشد کند و بر سبک زندگی مردم مسلط شود.

ا آثار ارتجاع و تفکر ارتجاعی می‌توان به افترا و اتهام‌زنی اشاره کرد؛ زیرا مرتجع برای حفاظت بر آیین و افکار و عقاید و رفتارهای پیشین و مخالفت و مبارزه با هرگونه تغییر و نواوری، به هرچیزی تمسک می‌جوید تا بتواند سنت‌های پیشین را حفظ کند. از این‌رو به دو شکل می‌کوشد تا وضعیت موجود را محافظت کند. با افکار و عقاید نو و تازه را امری خلاف عقلانیت و یا وحیانیت می‌شمارد؛ چنان‌که قوم ابراهیم در برابر عقیده توحید که یک اصولا توبه تغییر نسبت به عقاید بت‌پرستی آنان بود، این‌گونه عمل کرده و به افتراء اتهام‌زنی تمسک جستند(انبیاء، آیات ۵۱ تا ۵۵) یا اینکه عقاید و افکار خود را عقلانی و وحیانی می‌شمارند و عقاید و افکار دیگران را ضد

تفکر و منشی ارتجاعی از نگاه قرآن

عقل و وحی دانسته و نسبت کهنگی و اتهام ارتجاع به آن می‌دهند.

خداوند در آیاتی گزارش می‌کند که فرعون و اشراف قوم قبطی در برابر دعوت توحیدی حضرت موسی(ع) آن حضرت را متهم به اختلاف‌انگیزی کرده و راه خود را راه برتر و رشدی می‌دانستند که مردم جامعه را به کمال می‌رساند.

اینان عقاید و افکار خود را کمال بخش دانسته و با ادعای اینکه این افکار تاکنون توانسته جامعه را مدیریت کند، پس قابلیت آن را دارد که در آینده نیز

گرفتاری‌ها وسیله‌ای برای ارتقاء معنوی، آزمایش ایمان و شکوفایی استعدادهای انسانی هستند، چنان‌که در زندگی پیامبران و اولیاء مشهود است.^(۱) با این حال، برای عموم مردم، گناه همانند سسمی پنهان عمل می‌کند که آرام‌آرام بنیان وجودی فرد و جامعه را متزلزل می‌سازد و زمینه بروز بحران‌ها و نارسایی‌ها را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، گناه اثر مستقیم و وضعی بر زندگی فردی و اجتماعی دارد؛ این اثرات، گاهی محسوس و آشکار و گاهی ظریف و پنهانند، اما در مجموع نشان می‌دهند که کیفیت اعمال انسانی، در شکل‌گیری شرایط زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

بنابراین تحلیل بحران‌های امروز، بدون توجه به این بُعد معنوی و وضعی، ناقص و ناتمام خواهد بود.

با خواندن است. در روایتی از امام صادق(ع)آمده است: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَذُبُّ الذَّنْبَ بِفِعْلِهِ مَصْلَةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ عَمَلَ السَّيِّئِ أَشْرَعُ فِي ضَاحِيهِ مِنْ التَّكْبِيرِ»؛ «شخصی که در روزی از زنگار بر آینه صاف و بی‌لایشی دل می‌شستند و توانایی درک حقایق، تشخیصی خوب از بد و دریافت معرف الهی را از انسان می‌گیرد. قرآن این حالت خطرناک را این‌گونه توصیف می‌کند: «گناهانی که همواره مرتکب شده‌اند بر دل‌هایشان چرک و زنگار بسته است.»^(۲) تسدوام و اصرار بر گناه، قلب را به‌کلی کور و کر می‌کند و فرد را به جایی می‌رساند که آیات الهی را ن‌تکذیب یا مسخره می‌کند.^(۳)

۳- محرومیت از توفیقات معنوی:

بزرگ‌ترین اثر گناه، محروم کردن انسان از بزرگ‌ترین نعمت‌ها، یعنی توفیق عبادت و ارتباط

۴- کوتاهی عمر و مرگ‌های ناگهانی:

منظر روایات، گناهان می‌توانند عمر طبیعی انسان را کوتاه‌کنند. اسام صادق(ع)می‌فرماید: «مَنْ يَمُوتُ بِالذَّنْبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ؛ کسانی که بر اثر گناهان می‌میرند، بیشتر از کسانی هستند که به سبب رسیدن اجل طبیعی می‌میرند.»^(۴) گناهانی مانند قطع رابطه با الهی‌بوده، یا-احترامی به والدین و ترک نیکی و کمک به دیگران، از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز مشکلات جدی و حتی مرگ‌های ناگهانی شوند: تَمُوتُ بِاللَّهِ مِنْ أَتَى النَّسَبَ الَّتِي تَجْعَلُ الْفَأْءَ وَتَقْرُبُ الْأَجَالَ وَتُخْلِی الدِّبَارَ وَهِيَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الْعُقُوقُ وَ تَرْكُ الْبِرِّ»^(۵)

۵- عذاب اخروی: مهم‌ترین و جادوهانه‌ترین اثر فردی گناه، عذاب دردناک آخرت است. قرآن مجید هشدار می‌دهد: «وَأَن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

در آن داده نشود. محافظه‌کاری که مرتجعان در پیش گرفته بودند، با خاستگاه تقلید کور‌کرانه از افکار و آرای نیاکان بوده است.(انبیاء، آیات ۵۱ تا ۵۳؛ شعراء، آیات ۶۹ تا ۷۴)

مشکل این محافظه‌کاران مرتجع آن بود که نسبت به هر تغییر بدگمان بودند(هود، آیات ۶۱ و ۶۲؛ ابراهیم، آیات ۹ و ۱۰) و بدتر از آن، رفتارهای زشت و ناپهناجر و ضد عقلانی خود را که مبتنی بر خرافات مهووم و باطل بود به سبب محافظت بر سنت نیاکان توجیه می‌کردند.

به این معنا که هر رفتار زشت و باطلی را چون نیاکان مرتکب شده‌اند، امری ارزشی و هنجاری می‌دانستند؛ چرا که نیاکان بر آن بوده و عمل کرده‌اند. این توجیه‌گر رفتارهای زشت و باطل و ناروا و ضارزش است که جامعه را از پیشرفت و رشد و حرکت به سمت اخلاق و ارزش‌های متعالی عقلانی و وحیانی بازمی‌دارد و ناپهناجری‌ها و ضارزش‌ها و زشتکاری‌ها را توجیه می‌کند.(عزرا، آیه ۲۸)

پناهه‌جویی مرتجعان در برابر دعوت‌های حق‌طلبانه و خواسته‌های عادلانه مبتنی بر عقل و اخلاق و وحی و عدم پذیرش آن و حتی مخالفت با این دعوت‌ها، از دیگر آثار تفکر ارتجاعی و تقلید

تفکر و منشی ارتجاعی از نگاه قرآن

حسین علی‌پور چیمه

کور‌کرانه از سنت‌ها و آیین‌ها و عقاید و افکار نیاکان است که خداوند در آیاتی از جمله آیه ۱۰ سوره ابراهیم به آن اشاره می‌کند.

رویکرد دلسی از تغییر و محافظت از افکار و رفتار نیاکان بازگشت به سوی سنت‌های باطل و نادرست آنان، مهم‌ترین مانع در راه بشیریت بوده و خواهد بود؛ زیرا چنین رفتاری اجازه نمی‌دهد تا هیچ فکر نو منطقی و عقلانی ارائه شود و با تغییراتی از طریق اختراعات و ابتکارات در جامعه و رفتارهای جمعی نیاکان خویش را حفظ کرده و هیچ‌گونه تغییری

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به عمل می‌آورند و زمینه و بستر عقباتفادگی ملت و مردم خود را فراهم می‌کنند. (بقره، آیه ۱۰۷؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ مؤمنون، آیات ۶۶ تا ۶۷؛ لقمان، آیه ۲۱؛ سباء، آیه ۴۳)

نقش حاکمان و مستکبران

در گرایش‌های مرتجعانه ملت‌ها

خداوند بارها ریشه تفکرات و رفتارهای ارتجاعی

ناروا را عدم تعقل بشری می‌داند و در آیات ۶۴ تا ۶۸

مبارزه می‌کنند و اگر نتوانند آن را حذف کنند یا مبارزه منفی از رشد سریع و پیشرفت شتابان آن جلوگیری به